

اعتبارسنجی روایات کافی؛ دیدگاه‌ها و معیارها

حیدر مسجدی^۱

چکیده

جایگاه والای حدیث و نقش آن در معارف مختلف اسلامی، لزوم اطمینان از انتساب آن به معصوم را ضروری می‌نماید. اعتبارسنجی احادیث با معیارهای مختلفی صورت می‌گیرد که ممکن است نتایج آن‌ها اندکی متفاوت باشد. کتاب کافی، از منابع قرن چهارم، از مهم‌ترین منابع حدیثی است که از دیرباز مورد توجه محدثان و دانشمندان قرار گرفته است. برخی از دانشمندان معتقدند تمام روایات آن معتبر است. اما برخی معاصران دگراندیش، بیش‌تر روایات این کتاب را جعلی می‌پندارند. پژوهش حاضر برآن است تا به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی تحلیلی شمار روایات جعلی این کتاب را بررسی کند. بدین منظور، پس از پیمایش معیارهای اعتبارسنجی حدیث، تفاوت ضعف سند و جعل روایت تبیین می‌شود. سپس در پایان شمار روایات جعلی این کتاب را کاوش می‌کند. نتایج بحث نشان می‌دهد که تعداد روایات جعلی در این کتاب صفر و یا بسیار اندک است. واژگان کلیدی: الکافی، اعتبارسنجی حدیث، روایات جعلی، روایات ضعیف، منابع حدیثی.

۱. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، عضو گروه علمی مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم و عضو

میراث حدیثی سرمایه‌ای ارزشمند است که محدثان علیهم‌السلام به ما رسانده‌اند. این میراث گران‌بها، دستاورد تلاش‌های فراوان و تحمل سختی‌های بسیاری است؛ تلاش‌هایی در قالب جست‌وجو، بررسی، گزینش، دسته‌بندی و عرضه.

تدوین صدها کتاب حدیثی، جز با تلاش فراوان محدثان شیعه امکان پذیر نبوده است؛ چراکه شیعه در آن دوران با محدودیت‌های فراوانی روبه‌رو بوده است؛ از لحاظ سیاسی، در اقلیت بودند و در مقابل نظام حاکم قرار داشتند. از لحاظ فرهنگی نیز، استفاده از نوشت‌افزارهای رایج و انتشار کتاب بسیار دشوار بود. همچنین امکانات رفاهی همچون روشنایی و وسایل ارتباطی و حمل و نقل در راستای سفرهای علمی در مقایسه با امکانات عصر حاضر بسیار ناچیز بود. البته این به معنای صحت تمام این میراث حدیثی نیست، بلکه برای تقدیر از زحمات این بزرگواران و تعیین روش صحیح برخورد با این میراث حدیثی است.

نکته دیگری که در اعتبارسنجی منابع حدیثی مؤثر است، محل انتشار آن‌ها است، برخی کتاب‌ها در مراکز علمی مانند بغداد، کوفه، قم منتشر شده‌اند و دیگر روایات در شهرهای دور از مراکز علمی. دسته اول، به دلیل حساسیت و ویژگی‌های مراکز علمی و امکان نقد آن‌ها، با دقت بیشتری نوشته و پس از انتشار نقد و بررسی می‌شدند. دسته دوم، به دلیل انتشار در مناطق دورافتاده از این نقد و بررسی بهره‌مند نمی‌شدند و یا کمتر نقد می‌شدند. به همین دلیل احتمال راهیابی متون ضعیف و شاذ در این کتاب‌ها بیش‌تر است.

نکته دیگری که در اعتبارسنجی منابع حدیثی مؤثر است، نگرش مؤلفان آن‌هاست؛ چراکه برخی محدثان با نگرش پذیرش حداکثری و توجیه روایات نامقبول به تألیف کتاب می‌پردازند، و برخی با سنجش علمی و عقلایی و نقد احادیث. براساس معیارهای علمی. به عرصه تألیف کتاب وارد می‌شوند. در مقایسه این دو دسته، بی‌تردید کتاب‌های دسته دوم از لحاظ اعتبار بالاتر هستند و با اشکالات کم‌تری مواجه هستند.

اهمیت سنجش منابع حدیثی

اهمیت سنجش حدیث و منابع حدیثی براساس اهمیت قرآن و حدیث، و نقش آن‌ها

در شکل‌گیری جامعه اسلامی، و باتوجه به قطعی بودن متن قرآن کریم نمایان می‌شود؛ به‌ویژه در دوران معاصر که با انواع شبهات در فضای مجازی روبه‌رو هستیم که برخی افراد ساده‌لوح و فریب‌خورده مطرح و منتشر می‌کنند.

در این پژوهش برخی نکات مهم در اعتبارسنجی روایات کتاب کافی بیان و به سؤال‌های ذیر پاسخ داده می‌شود:

۱. ضعف به چه معنا است؟

۲. چه تعداد از روایات کافی ضعیف است؟

۳. آیا بین ضعف روایت و جعل آن تلازم وجود دارد؛ به این بیان که آیا هر روایت ضعیف را می‌توان جعلی شمرد؟

۴. چه تعداد از روایات کافی جعلی است؟

برای پاسخ به سؤال اول به مبانی اعتبارسنجی حدیث اشاره می‌کنیم تا معانی ضعف روشن شود:

۱. مبانی حجیت حدیث

اساساً دو مبنای کلی در حجیت حدیث وجود دارد:

۱-۱. حجیت تعبدی

حجیت تعبدی یعنی پیروی از روش خاصی که شارع مقدس - خداوند متعال یا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام - برای تبعیت حدیث معرفی کرده است؛ مانند راهی که قوه مقننه برای اطلاع‌رسانی قوانین معرفی کند و بگوید دستیابی به قوانین از راه دیگری حجیت ندارد.

اگر حجیت حدیث را تعبدی دانستیم، احتمالات ذیل مطرح است:

۱-۱-۱. حجیت خبر عادل

برخی علما به آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِيبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسق خبری را

۱. حجرات: آیه ۶.

برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسائید و از کرده خود پشیمان شوید!» استناد کرده و با استدلال‌های متعدد،^۱ به حجیت خبر عادل معتقد شده‌اند. البته به برخی از این استدلال‌ها خدشه وارد شده است.^۲

البته مفهوم عادل فراتر از ثقه است؛ عادل شامل افرادی می‌شود که هم از نظر اعتقادی و هم از نظر عملکرد، قابل اعتماد (راست‌گو) هستند.

۲-۱-۱. حجیت خبر ثقه

برخی معتقدند خبری حجّت است که راوی آن ثقه باشد؛ یعنی ملاک، وثاقت اوست، هرچند از نظر اعتقادی مشکل داشته باشد؛ مانند اهل سنت و شیعیان غیر اثنا عشری. برای این مبنا به تعدادی از روایات استناد شده است؛ همچون: «لَا عُدْرَ لَأَخِدٍ مِنْ مَوَالِبِنَا فِي الشَّكِيكِ فِيمَا يَزُوْبُهُ عَنَّا ثِقَاتُنَا».^۳

همچنین:

عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نُصَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ الْمُهْتَدِي وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقُطِينٍ جَمِيعاً عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَا أَكَادُ أَصِلُ إِلَيْكَ أَسْأَلُكَ عَنْ كُلِّ مَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ مَعَالِمِ دِينِي أَفِيؤُنْسُ بِنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ ثِقَةً أَخَذَ عَنْهُ مَا أَحْتَاجُ إِلَيْهِ مِنْ

۱. الأول: مفهوم تقریب الشرط، و هو أنّه تعالی علّق وجوب التبیّن عن الخبر بما إذا كان الجائی به الفاسق، فإذا كان الجائی به العادل، إمّا أن لا یجب التبیّن ولا یجوز قبول خبره، فیلزم أن یكون العادل أسوأ حالاً من الفاسق، و إمّا أن یجب قبول خبره بلا تبیین، و هو المطلوب. الثاني: بتقریب مفهوم الوصف، و هو أنّه قد علّق التبیّن عن الخبر بما إذا كان المخبر فاسقاً، و لو لم یكن لوصف الفسق مدخلیة - بل كان عدم القبول لكونه خبراً واحداً - لما كان یصلح أن یعلّل عدم القبول بكون مخبره فاسقاً، لأنّ التعلیل بالذاتی مع كونه صالحاً للعلیة أولى من التعلیل بالعرضی، لتأخّر ترتبه عنه، و تقدّم الذاتی علیه. الثالث: بتقریب دلالة الإیفاء، و من باب مناسبة الحكم و الموضوع، و هو أنّه لو كان ذات خبر الواحد تقتضی التبیّن، و كان الوصف المعبر عنه الواقع فی حیث التعلیق و الحكم عنواناً مشیراً للذات لما كانت خصوصیة لأنّ یجعل الفسق عنواناً مشیراً. مع أنّه یكون كمال المناسبة بین صفة الفسق إذا كان المخبر متّصفاً به لأنّ یفتش عن خبره، لكونه الذي لا یعتمد علی قوله، و لا اعتبار بخبره، لعدم احترازه عن تعمّد الكذب. و بالجملة؛ فن اقتران التعلیل بهذه الصفة یستكشف أنّ خصوصیة صفة الفسق صارت علّة لوجوب التبیّن، ثمّ إذا وجب التبیّن عن خبر الفاسق إمّا أن یكون لا یجب فی خبر العادل، و لا یجوز قبول خبره أو یجوز القبول بدون التبیّن، فالأول یوجب الأسویة المذكورة، و الثاني یثبت المطلوب. (الأصول: ج ۲ ص ۱۹۵).

۲. نگاه کنید: الأصول: ج ۲ ص ۱۹۶.

۳. وسائل الشیعة: ج ۱ ص ۳۸ ح ۶۱، رجال الكشي - إختیار معرفة الرجال: ص ۵۳۵ ش ۱۰۲۰.

مَعَالِمِ دِينِي فَقَالَ نَعَمْ!'.^۱ حسن بن علی بن یقطين می گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: من نمی توانم برای هر مشکل دینی که برایم پیش می آید، از شما سؤال کنم، پس آیا یونس بن عبدالرحمان ثقة و راست گو است و می توانم پاسخ نیازهای دینی خود را از او دریافت کنم؟ حضرت فرمود: آری.

براساس این روایت از وثاقت راوی (یونس بن عبد الرحمن) پرسش شده است که حضرت پاسخ مثبت داده اند.

آیت الله محمد علی اراکی تواتر روایات در حجیت اخبار ثقات را نقل می کند و می گوید اگر این تواتر ثابت شود، به مطلوب رسیده ایم وگرنه قدر متیقن آن ها، حجیت روایات صحیح اعلائی است.^۲

۳-۱-۱. حجیت روایات مشهور

برخی معتقدند خبری حجت است که مشهور باشد. مستند این افراد، روایاتی است که شهرت را شاخصی برای عمل به روایت معرفی می کند؛ مانند: «وَرُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: خُذْ مَا اشْتَهَرَ بَيْنَ أَصْحَابِكَ وَدَعْ مَا نَدَرَ»^۳ آنچه مشهور میان اصحاب است را بگیر و عمل کن و حجت بدان و آنچه نادر است را کنار بگذار».

شیخ حر عاملی در کتاب وسایل الشیعة در راستای عمل به این مبنا به منابعی

۱. رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال - ص ۴۸۳؛ وسائل الشيعة: ج ۲۷ ص ۱۴۷.

۲. «قد ادعى صاحب الوسائل أنّ الأخبار متواترة على حجیة خبر الثقة، فإن ثبت هذا التواتر فنعم المطلوب، وإن لم يثبت فلا أقلّ من أنّ المتیقن حجیة ما كان من قبیل الصحیح الأعلائی، وقد ظفرنا - بحمد الله تعالی - على فرد من هذا القسم دلّ على حجیة خبر الثقة و هو قوله عليه السلام: لا عذر لأحد من موالینا فی التشکیک فی ما یرویه عنا ثقاتنا». (أصول الفقه: ج ۱ ص ۶۱۲).

۳. عوالي اللئالی العزیزية فی الأحادیث الدینیة: ج ۳ ص ۱۲۹، مستدرک الوسائل: ج ۱۷ ص ۳۰۳ ح ۲۱۴۱۳؛ شبیه آن را مرحوم فیض کاشانی (وافی: ج ۱ ص ۲۹۱) از زرارة از امام باقر علیه السلام نقل کرده است.

استناد کرده که مشهورند^۱، و از اعتماد بر منابع غیرمشهور پرهیز کرده است^۲. این عدم اعتماد، به دلیل ضعف مؤلفان آنها نیست، بلکه به دلیل عدم شهرت این منابع است، و به همین دلیل، به برخی کتاب‌های یک محدث اعتماد کرده و به تألیفات دیگرش اعتماد نکرده است؛ همچون شیخ صدوق^۳ که تنها از این آثارش نقل کرده است: من لا يحضره الفقيه، خصال^۴، معانی الاخبار^۵، علل الشرايع^۶، امالی^۷، صفات الشيعة^۸، ثواب

۱. في ذكر الكتب المعتمدة التي نقلت منها أحاديث هذا الكتاب وشهد بصحتها مؤلفوها وغيرهم وقامت القرائن على ثبوتها، وتواترت عن مؤلفيها أو علمت صحة نسبتها إليهم بحيث لم يبقَ فيها شك ولا ريب؛ كوجودها بخطوط أكابر العلماء، وتكرر ذكرها في مصنفاتهم، وشهادتهم بنسبتها، وموافقة مضامينها لروايات الكتب المتواترة، أو نقلها بخبر واحد محفوف بالقرينة وغير ذلك؛ (وسائل الشيعة: ج ۳۰ ص ۱۵۱ / الفائدة الرابعة).

۲. جاء في هامش الأصل والمصححة بعنوان (منه) في أول الفائدة، ما نصه: «هذه كتب غير معتمدة، لعدم العلم بثقة مؤلفيها، وثبوت ضعف بعضهم، ولذلك لم أنقل منها شيئاً: (۱) كتاب مصباح الشريعة. (۲) كتاب غوالي اللئالي. (۳) كتاب المجلي، له. (۴) كتاب الأحاديث الفقهية، له. (۵) كتاب إحياء العلوم، للغزالي، من العامة. (۶) كتاب جامع الأخبار. (۷) كتاب الفقه الرضوي. (۸) كتاب طب الرضا عليه السلام. (۹) كتاب الوصية للشلمغاني. (۱۰) كتاب الأغسال، لابن عتاش. (۱۱) كتاب الحافظ البرسي. (۱۲) كتاب الدرر والغرر، للأمدى. (۱۳) كتاب الشهاب. وغير ذلك».

۳. تمام روایات شیخ صدوق در وسایل الشيعة را جست‌وجو کردیم و این نتیجه حاصل شد که شیخ صدوق افزون بر من لا يحضره الفقيه، به تعدادی از کتاب‌های ایشان اعتماد کرده است که از هر کدام از آنها، به یک نمونه اشاره کردیم.

۴. وسایل الشيعة: ج ۱ ص ۴۷ ب ۵ باب وجوب النية في العبادات الواجبة واشتراطها بها مطلقاً، ح ۸۵.

۵. همان: ص ۶۰ ب ۸ باب وجوب الإخلاص في العبادة والنية، ح ۱۲۸.

۶. همان: ص ۲۲۰ ب ۱۱ باب كراهة الاغتسال بغسالة الحمام مع عدم العلم بنجاستها وأن الماء النجس لا يظهر ببلوغه كراه، ح ۵۶۰.

۷. همان: ص ۶۲ ب ۹ باب ما يجوز قصده من غايات النية وما يستحب اختياره منها، ح ۱۳۵.

۸. همان: ص ۱۰۷ ب ۲۴ باب جواز السرور بالعبادة من غير عجب و حكم تجدد العجب في أثناء الصلاة، ح ۲۶۲.

الاعمال^۱، عقاب الاعمال^۲، إكمال الدين^۳، المقنع^۴، توحيد^۵، فضائل شهر رمضان^۶، الإخوان^۷، الاعتقادات^۸.

همچنین به دلیل نداشتن شهرت لازم، از دیگر آثار ایشان نقل نکرده است، هرچند برخی از آن‌ها روایت فقهی دارد؛ مانند فضائل شهر رجب، فضائل شهر شعبان. اگر یکی از این ادله را تام و کامل دانستیم، دلیل حجیت تعبدی حدیث خواهد بود و اگر هیچ کدام را نپذیرفتیم و بر آن‌ها خدشه وارد کردیم، هیچ دلیلی بر حجیت تعبدی حدیث نخواهد بود و در نتیجه شارع مقدس هیچ روش مورد پذیرشی را معرفی نکرده است و باید به روش عقلایی رجوع کرد.

۲-۱. مبنای حجیت عقلایی

انسان در مسائل مختلف روزمره زندگی خود، به گزاره‌های مختلفی اعتماد می‌کند، معمولاً مبنایی را که عقلاً معیار عمل و اعتماد به گزاره‌ای قرار می‌دهند، وثوق و اطمینان به متن است، اگر از متن، اطمینان و وثوق حاصل شد، به آن اعتماد و عمل می‌کنند و اگر وثوق و اعتماد حاصل نشد، عمل نمی‌کنند. به این شیوه حجیت عقلایی گفته می‌شود.

وثوق و اطمینان به متن از راه‌های متعددی حاصل می‌شود:

۱. همان: ص ۳۷۶ ب ۸ باب استحباب تجدید الوضوء من غیر حدث لكل صلاة و خصوصا المغرب و العشاء و الصبح، ح ۹۹۳.
۲. همان: ج ۳ ص ۱۶۰ ب ۱۱ باب استحباب مباشرة حفر القبر عینا، ح ۳۲۸۹.
۳. همان: ج ۲ ص ۹۵ ب ۵۰ باب استحباب الخضاب بالحناء، ح ۱۵۹۲.
۴. همان: ج ۲ ص ۱۸۸ ب ۷ باب وجوب الغسل یا نزال المنی یقظة أو نوما رجلا کان أو امرأة بجماع أو غیره و عدم وجوب غسل الجنابة بغير الجماع و الإنزال، ح ۱۸۹۲.
۵. همان: ج ۶ ص ۴۹ ب ۷ باب جواز القراءة بالحمد و التوحيد في كل ركعة بغير کراهة، ح ۷۳۱۱.
۶. همان: ج ۸ ص ۴۱ ب ۸ باب استحباب الصلاة المخصوصة كل ليلة من شهر رمضان و أول يوم منه، ح ۱۰۰۵۷.
۷. همان: ج ۱۲ ص ۲۰ ب ۱۰ باب استحباب اجتماع الإخوان و محادثتهم، ح ۱۵۵۳۲.
۸. همان: ج ۱۷ ص ۱۵۳ ب ۲۸ باب حکم القصاص، ح ۲۲۲۲۲.

أ. منبع

وقتی گزاره‌ای از لحاظ منبع بررسی می‌شود، اگر آن منبع قابل اعتماد باشد، اطمینان نسبی به آن گزاره حاصل می‌شود و اگر منبع قابل اعتماد نباشد، اطمینانی حاصل نمی‌شود؛ مانند آنچه در خبرگزاری‌ها و پیام‌رسان‌ها نقل می‌شود که وثوق و اطمینان به همه آن‌ها حاصل نمی‌شود، بلکه آنچه موجب اطمینان نسبی می‌شود، اعتبار منبع آن است. در منابع حدیثی نیز همین‌گونه است.

در اعتبارسنجی حدیث نیز باید منبع بررسی شود، آیا در کتب متقدم است یا متأخر و در کتب معتبر نقل شده یا ضعیف. چون نه تنها اعتبار منابع حدیثی نویسندگان مختلف، متفاوت است، بلکه نگاشته‌های حدیثی یک مؤلف نیز اعتبار متفاوتی دارند؛ بنابراین نخستین راه اطمینان و وثوق به متن، منبع حدیث است.

کتاب کافی از لحاظ قدمت و ارزش، از مهم‌ترین منابع حدیثی شیعه است، بنابراین وثوق و اطمینان به روایات آن در مقایسه با روایات دیگر منابع حدیثی راحت‌تر است.

ب. راوی

راویان گزاره‌های مختلف سه دسته‌اند: (۱) افراد معتمد و راست‌گو. (۲) افراد ناشناخته و مجهول. (۳) افراد ضعیف یا دروغ‌گو.

بی‌تردید عقلاً با این افراد به شکل متفاوتی برخورد می‌کنند: اگر خبری را معتمدی نقل کند، نزد آنان جایگاه معینی دارد، اگر ناشناسی آن را منعکس کند، جایگاه پایین‌تری خواهد داشت، همچنین اگر فردی دروغ‌گو آن را بیان کند، باز ارزش کم‌تری خواهد داشت. البته اخبار دسته سوم را اخبار دروغ نمی‌دانند، بلکه با درصد پایین به خبر آن‌ها اعتماد می‌کنند.

اگر روایات کتاب کافی را با این دید نگاه کنیم، روشن خواهد شد که غالب آن‌ها از دسته اول و دوم هستند، و روایات دسته سوم ناچیز است. همچنین روایات دسته سوم معمولاً با قرائن و شواهد مقرون است که وثوق و اطمینان به آن‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد.

۱. مثلاً شیخ صدوق کتاب‌های حدیثی فراوانی دارد؛ اما به لحاظ اعتبار یکسان نیستند برخی از اعتبار بالایی برخوردارند مانند کتاب «من لا یحضره الفقیه» و برخی از اعتبار کمتری مانند: خصال، فضائل الأشهر الثلاثة، مصادقة الاخوان.

ج. مضمون خبر

در اعتبارسنجی به مضمون خبر هم توجه می‌شود؛ برای نمونه اگر مضمون خبر به گونه‌ای باشد که با واقعیت خارجی سازگاری و انطباق داشته باشد، قابل قبول است؛ اما اگر مضمون آن حاکی از مطلبی شاذ و نادر باشد، پذیرش آن دشوار است. غالب روایات کتاب کافی مضامین قابل قبولی دارند و مضامین شاذ و غیرقابل قبول در بین آن‌ها نادر است.

د. داشتن انگیزه جعل و دروغ و نداشتن آن

موضوعات حدیثی از لحاظ انگیزه جعل و دروغ، دو گونه‌اند: در برخی انگیزه جعل و دروغ هست؛ مانند مسائل سیاسی یا فرقه‌ای، و در برخی انگیزه جعل وجود ندارد؛ مانند مسائل فقهی و اخلاقی. در اعتبارسنجی حدیث، این دو دسته متفاوت‌اند، اعتماد به احادیثی که انگیزه برای جعل و دروغ در آن‌ها وجود ندارد، راحت‌تر است تا روایاتی که انگیزه جعل در آن‌ها وجود دارد.

باتوجه به اینکه بیش از ۶۰٪ روایات کتاب کافی فقهی است، و مابقی آن شامل روایات تاریخی، تفسیری، اخلاقی، اعتقادی و غیره می‌شود، اساساً زمینه جعل در بیش از ۷۵٪ روایات کتاب وجود ندارد، همچنین بقیه روایات آن با دقت بررسی و گزینش شده‌اند، در نتیجه ادعای جعل در ۷۰٪ روایات آن گزاف و غیر علمی است.

ه. عمل متخصصان به آن

اگر متخصصان و اهل خبره از گزاره‌ای اطمینان حاصل و به آن عمل کنند، آن گزاره از دیدگاه عقلا قابل اعتماد است، در مقابل اگر از گزاره‌ای روی گردان شوند، قابل اعتماد نخواهد بود. روایات نیز از دیدگاه عقلایی همین گونه‌اند، روایتی که اعتماد بزرگان و فقها را دارد با روایتی که بزرگان از آن روی گردان شده‌اند، متفاوت است. دسته اول اطمینان‌آور است، و دسته دوم نیازمند قرائن و شواهد بیشتر. غالب روایات از دسته اول هستند، و روایات شاذ آن نادر است. بنابراین این غالب روایات کافی از لحاظ عقلایی قابل اعتماد است.

و. وجود مؤیدات روایی

روایات از نظر وجود قرائن خارجی سه دسته‌اند: ۱. روایات دارای شاهد و مؤید، ۲. روایات منفرد و فاقد مؤید و شاهد، ۳. روایات فاقد مؤید و دارای مخالف. این سه دسته به لحاظ ارزش و اطمینان‌آوری متفاوت هستند، روایات دسته اول از لحاظ عقلا، راحت‌تر مورد پذیرش قرار می‌گیرند، ولی اطمینان به روایات دسته دوم سخت‌تر است و از همه دشوارتر دسته سوم است. این نپذیرفتن به معنای جعل این دسته نیست، بلکه علت‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد.

با بررسی روایات کتاب کافی روشن می‌شود که درصد بالایی از آن‌ها از دسته اول است و این مطلب نشانگر دقت مرحوم کلینی در گزینش این روایات است.

معیارهای دیگری نیز وجود دارد، اما عملکرد عقلا در موضوعات مختلف یکسان نیست؛ بلکه باتوجه به موضوع گزاره و اهمیت آن، نوع عملکرد و سخت‌گیری در اعتبارسنجی آن تغییر می‌کند؛ برای نمونه برخی گزاره‌ها مربوط به مسائل جزئی است، مانند خرید مایحتاج روزمره و برخی دیگر از گزاره‌ها، درباره مسائل مهم و حساس و حیاتی است.

بنابراین معیارهای سنجش و اعتبار احادیث و در نتیجه پذیرش حدیث، متعدد است که در ذیل دو عنوان کلی حجیت تعبدی و حجیت عقلایی قرار می‌گیرند. حجیت تعبدی آن است که روایات براساس معیارهایی که شارع مقدس بیان کرده، سنجیده شود و حجیت عقلایی براساس مواردی است که مطرح شد.

۲. تعداد روایات ضعیف در کتاب کافی

اگر براساس معیارهای مطرح شده، تعدادی از روایات صحیح باشند و تعدادی از روایات ضعیف، سؤال این است که مقدار روایات ضعیف در کتاب کافی براساس مبانی فوق چقدر است؟

بر مبنای تعبد، تعداد روایات ضعیف براساس هر کدام از مبانی سه‌گانه (حجیت خبر عادل، حجیت خبر ثقه، حجیت خبر مشهور) متفاوت است. براساس حجیت خبر عادل،

۱. مانند اینکه در قرآن و یا روایات اهل بیت علیهم‌السلام این مطلب در قالب دیگری نیز وارد شده است.

تعداد روایات ضعیف بسیار است؛ زیرا شامل روایات ضعیف و موثق نمی‌شود و روایات موثق هم در دایره احادیث ضعیف قرار می‌گیرند؛ اما بنابر مبنای حجیت خبر ثقه، این آمار کاهش پیدا می‌کند و روایات موثق، در حوزه احادیث صحیح قرار می‌گیرند؛ برای نمونه بنابر آمار نرم‌افزار درایة النور، از مجموع ۱۸۵۳۶ سند^۱ کتاب کافی، ۶۰۴۶ سند ضعیف، ۹۶۶۸ سند صحیح، و مابقی فاقد اعتبارند؛ اما بنابر مبنای دیگر، نتیجه قطعاً متفاوت خواهد بود.

تعداد روایات صحیح و ضعیف، به تعیین معیار وثاقت بستگی دارد. برخی محدثان، افرادی را ضعیف شمرده‌اند؛ درحالی‌که در نرم‌افزار درایة النور براساس معیاری، افراد پر روایت را در زمره افراد ثقه برشمرده‌اند؛ از این رو، آمار روایات صحیح در این نرم‌افزار بیشتر است و روایات ضعیف کمتر است؛ گذشت که در نرم‌افزار درایة النور ۹۶۶۸ سند صحیح دانسته شده است؛ درحالی‌که آقای بهبودی مؤلف کتاب الصحیح من الکافی، تنها حدود یک چهارم روایات را صحیح دانسته و تقریباً دوازده هزار حدیث را ضعیف شمرده است؛ همچنین در کتاب مرآة العقول حدود ۶۰۰۰ حدیث از لحاظ سندی صحیح دانسته شده است.

اگر مبنای شهرت، معیار سنجش قرار گیرد، چون تعداد احادیث مشهور فراوان و احادیث شاذ و نادر کم است؛ آمار روایات صحیح بسیار بالاتر می‌رود، به خصوص اگر شهرت منابع حدیثی ملاک باشد، طبق این مبنا، روایات کتاب کافی، صحیح خواهد بود. اگر مبنای حجیت عقلایی ملاک باشد، روایات مقرون به قرائن اطمینان‌آور، فراوان هستند. بنابر نظر استاد ما^۲ بسیاری از قرائن تاریخی می‌توانند در اعتبار حدیث، نقش داشته باشند؛ برای نمونه اگر از قرائن تاریخی روشن شود که نقش راوی، نقل کتب حدیثی است (نه نقل روایت از معصوم علیه السلام)، هرچند این شخص تضعیف شود، این تضعیف چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ زیرا ملاک، منبع و متن است؛ بر خلاف راویانی

۱. در کتاب کافی ۱۶۲۰۰ حدیث نقل شده است؛ اما تعدادی از این احادیث دو یا سه سند دارند؛ در نرم‌افزار درایة النور، روایات بر اساس اسانید، تفکیک شده‌اند، نه بر اساس روایت.

۲. آیت الله سید احمد مددی رحمته الله علیه.

که به صورت مستقیم از معصوم علیه السلام حدیثی را نقل می‌کنند، در این صورت وثاقت راوی موضوعیت دارد. به عبارت دیگر، راویان دو دسته هستند:

الف. راویانی که نقش ناقل کتاب و منابع حدیثی را دارند، در این صورت، وثاقت راوی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد؛ چون ملاک متن و منبع است.

ب. افرادی که از معصوم علیه السلام به طور مستقیم حدیثی را نقل می‌کنند که در این صورت وثاقت شرط است.

باتوجه به اینکه بسیاری از راویان توثیق ندارند، حتی برخی ضعیف شمرده شده‌اند، اما واسطه در نقل کتاب هستند، این تضعیف به نقل آن‌ها لطمه نمی‌زند. برای مثال «ابراهیم بن هاشم» توثیق صریح ندارد، ولی در منابع فهرستی تصریح شده است ایشان نخستین فردی است که میراث حدیثی کوفیان را به قم منتقل کرد.^۱ «محمد بن اسماعیل بندقی نیشابوری» طبق آمار نرم افزار درایة النور در ۵۷۵ سند کتاب کافی حضور دارد، ولی هیچ توثیقی ندارد، و تمام روایات ایشان از استادش «فضل بن شاذان» است و تمام روایات «فضل بن شاذان» را فقط او نقل کرده است، پس نقش وی در انتقال این میراث از نوع دوم است. همچنین «سهل بن زیاد» را برخی رجالیان تضعیف کرده‌اند. بنابر این مبنا، بی‌تردید آمار روایات قابل اعتماد بیشتر می‌شود. مثلاً کلینی در کتاب کافی از سهل بن زیاد حدود ۱۷۰۰ روایت در قالب ۱۹۱۷ سند نقل می‌کند، سهل این روایات را از ۱۲۷ استاد نقل کرده است، از این اساتید، ۴۶ نفر توثیق صریح دارند، ۱۱ نفر ضعیف هستند و ۷۰ نفر توثیق و یا تضعیف ندارند و مهمل هستند. با این آمار، روایات سهل بن زیاد زیر سؤال می‌رود، زیرا تنها ۴۶ نفر از مشایخ سهل توثیق شده‌اند و دیگران ضعیف یا مهمل هستند. اما اگر با نگاه آماری به این روایات نگاه شود، حدود نیمی از

۱. نجاشی نوشتند: «ابراهیم بن هاشم أبو إسحاق القمي أصله كوفي انتقل إلى قم قال أبو عمرو الكشي: تلميذ يونس بن عبد الرحمن من أصحاب الرضا علیه السلام هذا قول الكشي، وفيه نظر. وأصحابنا يقولون: أول من نشر حديث الكوفيين بقم هو»؛ الرجال، نجاشی: ص ۱۶ ش ۱۸. شیخ طوسی می‌نویسد: «ابراهیم بن هاشم أبو إسحاق القمي أصله الكوفة وانتقل إلى قم وأصحابنا يقولون: إنه أول من نشر حديث الكوفيين بقم وذكروا أنه لقي الرضا علیه السلام؛ الفهرست، طوسی: ص ۱۱ ش ۶.

آن‌ها را سه استاد جلیل‌القدر و ثقة نقل کرده‌اند^۱ و این بیانگر نقش سهل در این بخش از نقل میراث حدیثی آن‌هاست. از این رو، وثاقت سهل در این دسته از روایات اهمیت چندانی ندارد.

۲-۱. نظرات علما در اعتبار کتاب کافی

برخی از علما (چه اصولی و چه اخباری) به حجیت تمام روایات کافی معتقدند. آیت‌الله خوئی به نقل از آیت‌الله نائینی نقل می‌کند: بزرگان متعددی، تمام روایات کتاب کافی را صحیح دانسته و میرزای نائینی بررسی سندی روایات کافی را کار افراد ناتوان می‌داند.^۲

علامه مجلسی می‌نویسد: ^۳ حق نزد من این است که نقل روایت در چنین اصول معتبری، جواز عمل به دنبال خواهد داشت و مراجعه به سندها برای ترجیح یک حدیث بر دیگری هنگام تعارض است.

۲-۲. جایگاه کتاب کافی

نجاشی در معرفی کافی می‌نویسد:

صنف الكتاب الكبير المعروف بالكليني يسمى الكافي في عشرين سنة. شرح كتبه: كتاب العقل... كتاب الروضة... كنت أتردد إلى المسجد المعروف بمسجد اللؤلؤي و هو مسجد نبطويه النحوي أقرأ القرآن على صاحب المسجد و جماعة من أصحابنا يقرؤون كتاب الكافي على أبي الحسين أحمد بن أحمد الكوفي الكاتب.^۴

۱. این اساتید عبارتند از: حسن بن محبوب (۴۱۹ سند)، احمد بن محمد بن ابی نصر بزظی (۳۴۳ سند)،

جعفر بن محمد اشعری (۱۰۴ سند) که جمعا ۸۶۶ سند است.

۲. و قد ذکر غیر واحد من الأعلام أن روایات الكافي كلها صحيحة و لا مجال لرمي شيء منها بضعف سندها و سمعت شيخنا الأستاذ الشيخ محمد حسين النائيني - قدس سره - في مجلس بحثه يقول: إن المناقشة في أسناد روایات

الكافي حرفة العاجز؛ معجم رجال الحديث: ج ۱ ص ۸۱.

۳. الحق عندی فيه: أن وجود الخبر في أمثال تلك الأصول المتبعة مما يورث جواز العمل به، لكن لا بدّ من الرجوع إلى الأسانيد لترجيح بعضها على بعض عند التعارض، فإنّ كون جميعها معتبراً لا ينافي كون بعضها أقوى؛ مرآة العقول: ج ۱ ص ۲۲.

۴. الرجال، نجاشی: ص ۳۷۷.

این بیان نشان می‌دهد این کتاب جایگاه بالایی داشته و آن را قرائت می‌کردند. شیخ مفید می‌نویسد: کتاب کافی، جلیل‌ترین و والاترین کتاب شیعه است.^۱ همچنین شهید اول می‌نویسد: هیچ‌کدام از علما مانند این کتاب نوشته است.^۲ شهید ثانی نیز می‌گوید:

كان قد استقرّ على أربعمئة مصنف سمّوها الأصول، فكان عليها اعتمادهم؛ ثمّ تداعت الحوادث إلى ذهاب معظم تلك الأصول، وخصّصها جماعة في كتب خاصّة تقرّيباً على المتناول، وأحسن ما جمع منها «الكافي» لمحمّد بن يعقوب الكليني، و«التهذيب» للشيخ أبي جعفر الطوسي...^۳

شیخ علی، سبط شهید ثانی می‌نویسد:

کتاب کافی آبی شیرین، زلال و گواراست و به جان خودم سوگند که همانند آن نگاشته نشده است و از ارزش کتاب می‌توان به منزلت و جلال و بزرگی مؤلف آن نیز پی برد.^۴

سید بحر العلوم در وصف این کتاب می‌گوید: کتاب کافی بی‌همتا است.

این عبارات از بزرگان و علمای فرهیخته نقل شده و بیانگر جایگاه والای کتاب کافی نزد آن‌ها در طول تاریخ است.

۳. تلازم بین ضعف روایت و جعل آن

بی‌تردید بین ضعف روایت و جعل آن تلازمی وجود ندارد. ممکن است روایتی از نظر سندی اعتبار نداشته باشد، اما نتوان آن را جعلی دانست. به عبارت دیگر، ممکن است روایتی از نظر سند قابل استناد و حجت نباشد، اما از اهل بیت علیهم‌السلام صادر شده باشد. بنابراین روایات سه دسته‌اند: قطعی الصدور، مشکوک الصدور، قطعی العدم. دسته اول، روایات قابل اعتماد هستند، دسته دوم، روایاتی که حجت نیستند، اما دلیلی بر جعل آن‌ها وجود ندارد، دسته سوم، روایاتی که قرائن بر جعل آن‌ها وجود دارد. روایات ضعیف

۱. و هو من أجل كتب الشيعة وأكثرها فائدة، تصحيح الاعتقاد: ص ۷۰.

۲. کتاب الکافی فی الحدیث الذی لم یعمل الأصحاب مثله، الروضة البهية: ج ۱ ص ۴۸.

۳. روضات الجنات: ج ۶ ص ۱۱۳.

۴. کتاب الکافی و المنهل العذب الصافی و لعمری لم ینسج علی منواله و منه یعلم قدر منزلته و جلالة حاله؛

در دسته دوم قرار می‌گیرند.

جعلی دانستن حدیث نیازمند معیارهای علمی است و نمی‌توان براساس سلیقه، حدیث یا احادیثی را جعلی دانست. به برخی معیارها در روایات اشاره شده است؛ از جمله مخالفت با کتاب:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ عَلَى كُلِّ حَقٍّ حَقِّ حَقِيقَةً وَعَلَى كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ؛ امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل فرمود: برای هر امر حقی، حقیقتی است [که به سوی آن حق رهبری می‌کند] و بر سر هر امر درستی، نوری است، پس آنچه موافق قرآن است، اخذ کنید و آنچه مخالف قرآن است، ترک کنید [زیرا قرآن نور و حقیقتی است که مردم را به حق هدایت می‌کند].^۱

۴. روایات جعلی در کافی

بنابر آنچه گذشت، روشن می‌شود طبق نظر برخی (معتقدان به حجیت تمام احادیث کافی) مانند آیت‌الله نائینی و علامه مجلسی و دیگران هیچ روایت جعلی در کتاب کافی وجود ندارد؛ اما طبق نظر برخی دیگر (معتقدان به حجیت برخی احادیث) تعداد روایات جعلی متفاوت است.

بسیاری از محققان معتقدند: مقدار روایات جعلی در کتاب کافی بسیار اندک و تقریباً در حد هیچ است. پس اعتبارسنجی روایات این کتاب برای قطعی دانستن صدور تک‌تک آن‌ها لازم است. بنابر این نظر، وجود برخی روایات در این کتاب، مانند روایاتی که موهم تحریف قرآن است^۲، قابل دفاع نیست. هرچند صرف موهم تحریف بودن یا

۱. الکافی: ج ۱ ص ۶۹.

۲. لازم است در این زمینه چند نکته تذکر داده شود: تعداد روایات موهم تحریف قرآن در کتاب کافی بسیار کم است (از میان ۱۶۲۰۰ حدیث حدود ۳۰ روایت موهم تحریف است). برخی از آن‌ها صحیح‌السند هستند، مانند صحیح‌ه هشام بن سالم «عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَةَ عَشَرَ آيَةً»؛ (الکافی: ج ۲ ص ۶۳۴ ح ۲۸). بزرگانی چون آیت‌الله خوئی که در اعتبار سند سختگیرانه عمل می‌کنند، به توجیه این روایات پرداخته‌اند.

قابل دفاع نبودن، نمی‌تواند دلیل بر حکم به جعل باشد، بلکه لازم است قرائن جعلی بودن ارائه شود.

برخی از روشنفکران معاصر، شبهه جعلی بودن هفتاد درصد روایات کتاب کافی را مطرح کرده‌اند؛ این درصد بسیار عجیب است و با مبانی علمی که گذشت سازگاری ندارد. از ایشان باید پرسید: این آمار براساس چه مبنایی است؟ همان‌طور که گذشت بین ضعف سند و جعل روایت تفاوت است. بنابر سخت‌ترین معیارهای اعتبارسنجی نیز، این آمار قابل پذیرش نیست، البته اگر تمام روایات ضعیف را جعلی بدانیم، این شبهه درست می‌شود، اما بسیاری از روایات ضعیف‌السند قطعاً جعلی نیستند و بسیاری از آن‌ها قرینه صدور دارند.^۱ برخی از آن‌ها در کتاب‌های دیگر و یا در همان کتاب کافی با سند صحیح دیگری نقل شده‌اند.^۲ در بسیاری از موارد، کلینی متن روایت را با سندهای متعددی نقل کرده است که برخی از آن‌ها ضعیف و برخی دیگر صحیح است.^۳ بنابراین ادعای جعل هفتاد درصد روایات کتاب کافی از نظر علمی قابل پذیرش نیست.

نگارنده در کتاب «قراءة جدیدة لروایات التحریف» به بررسی فقه الحدیثی این روایات پرداخته است. نتیجه آنکه این روایات براساس قرائن متعدد، تفسیری هستند و هیچ دلالتی بر تحریف قرآن ندارند.

۱. برای نمونه برخی روایات «باب أَنَّ الْمَيِّتَ يَزُورُ أَهْلَهُ» ضعیف‌السند هستند، ولی روایات آن باب یک‌دیگر را تأیید می‌کنند.

۲. مانند روایت ذیل: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ فَقَالَ وَعَزِّي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحْسَنَ مِنْكَ إِلَّا أَنْ أَمُرُ وَإِيَّاكَ أَنُهِى وَإِيَّاكَ أُعَاقِبُ»؛ (الكافی: ج ۱ ص ۲۶ ح ۲۶) که با سند صحیح ذیل نیز وارد شده است: «أَخْبَرَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ قَالَ حَدَّثَنِي عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا مِنْهُمْ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَذْبِرْ فَأَذْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَعَزِّي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَلَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أُحِبُّ أَمَا إِيَّائِكَ أَمُرُ وَإِيَّاكَ أَنُهِى وَإِيَّاكَ أُعَاقِبُ وَإِيَّاكَ أُثِيبُ»؛ (الكافی: ج ۱ ص ۱۰ ح ۱).

۳. مانند: عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمُقْدَامِ قَالَ: مَرَرْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام بِالتَّبِيعِ فَرَزْنَا بِقَبْرِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ مِنَ الشَّيْعَةِ قَالَ فَوَقَفَ عَلَيْهِ عليه السلام فَقَالَ: اللَّهُمَّ احْرَمْ عُزْبَتَهُ وَ صِلْ وَحَدَّثَهُ وَ آنِسْ وَحَسَنَتَهُ وَ أَسْكِنِ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةٍ مَنْ سِوَاكَ وَ الْخَفَةَ مِنْ كَانِ يَتَوَلَّاهُ؛ (الكافی: ج ۳ ص ۲۲۹ ح ۶).

هرچند ممکن است مضمون برخی احادیث دشوار باشد، اما دشواری آن‌ها نمی‌تواند دلیل علمی برای جعلی بودن باشد؛ زیرا دشواری از معیارهای جعل حدیث نیست، ضمن اینکه دشواری امری نسبی است. ممکن است متنی برای شخصی دشوار باشد، درحالی‌که برای دیگری دشوار نیست. چه بسا علما، ذیل برخی از این روایات توضیحاتی نوشته‌اند، در حالی‌که دیگر افراد در فهم آن‌ها مشکل دارند. در چنین مواردی حدیث چه حکمی خواهد داشت؟ آیا باید آن‌ها را جعلی دانست یا قابل اعتماد؟ روشن است که درک افراد، معیار سنجش احادیث نمی‌تواند باشد.

نکته دیگر این‌که گاهی متن روایت مشکل ندارد، بلکه فرد از نظر فقه‌الحدیثی مشکل دارد، اشکالاتی که چنین افرادی به حدیث وارد می‌کنند ناشی از ضعف آنان است^۱ و عدم فهم روایت، دلیل بر جعل روایت نیست.

نکته سوم این‌که گاهی منشأ ابهام روایات، عدم دقت در نقل متون آن‌هاست؛ در برخی روایات، تقطیع یا نقل به معنا و مانند آن صورت گرفته است که به ابهام متن و یا اشتباه در فهم آن می‌انجامد. پس قبل از نسبت جعل، به این متون لازم است متون دقیق روایات را به دست آورد.

نتیجه‌گیری

هرچند کتاب کافی از مهم‌ترین و ارزشمندترین منابع حدیثی است، اما فردی غیرمعصوم و جایز الخطا آن را نوشته است. بنابراین، احتمال سرایت تعداد اندکی از روایات جعلی به این کتاب وجود دارد؛ هرچند تاکنون هیچ روایتی به عنوان روایت جعلی در این کتاب برای ما ثابت نشده است و صرف این‌که برخی روایات آن دشوار است، نمی‌تواند بهانه‌ای بر جعل آن‌ها باشد. در چنین مواردی باید اعتراف کرد که روایت قابل فهم نیست یا ضعیف است؛ زیرا اثبات جعل، نیازمند دلیل است. این مدعا از روایات بی‌شماری فهمیده می‌شود؛ از جمله:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي

۱. چنان‌که متن‌بی می‌گوید: وَ مَنْ يَكُ ذَا قَمٍ مُرِّ مَرِيضٍ * يَجِدُ مُرًّا بِهَ الْمَاءَ الرَّيْلَا؛ کسی‌که دهان تلخ و بیمار دارد، آب زلال را تلخ می‌یابد.

جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَيْهِ جَمَاعَةٌ فَقُلْنَا يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّا نُرِيدُ الْعِرَاقَ فَأَوْصِنَا فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِيُفِقُوا شِدِيدَكُمْ ضَعِيفَكُمْ وَ لِيَعُدُّ غَنِيَّكُمْ عَلَى فَقِيرِكُمْ وَ لَا تَبْتُؤُوا سِرَّتَنَا وَ لَا تُذْبِعُوا أَمْرَنَا وَ إِذَا جَاءَكُمْ عَنَّا حَدِيثٌ فَوَجِدْتُمْ عَلَيْهِ شَاهِدًا أَوْ شَاهِدَيْنِ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَخُذُوا بِهِ وَ إِلَّا فَاقِفُوا عِنْدَهُ ثُمَّ ذُودُوا إِلَيْنَا حَتَّى يَسْتَبِينَ لَكُمْ...؛ جمعی خدمت امام باقر عليه السلام رسیدیم؛ پس گفتیم: یابن رسول الله، ما قصد سفر به عراق دارم، به ما سفارش کنید. امام عليه السلام فرمود: باید توانای شما به ناتوانان نیرو بخشد و توانگرتان از مستمندتان دستگیری کند و راز ما را فاش نکنید و کار ما را شهرت ندهید و هرگاه حدیثی از ما به شما رسید و یک گواه یا دو گواه از قرآن بر صحت آن یافتید، بدان عمل کنید و گر نه در برابر آن توقف کنید و آن را به ما بازگردانید تا برای شما روشن شود.^۱

در روایت دیگری از حضرت امیرمؤمنان علی عليه السلام نقل شده است: «إِذَا سَمِعْتُمْ مِنْ حَدِيثِنَا مَا لَا تَعْرِفُونَهُ فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا وَ قِفُوا عِنْدَهُ وَ سَلِمُوا إِذَا تَبَيَّنَ لَكُمْ الْحَقُّ؛ هر گاه حدیثی از ما شنیدید که برای شما قابل درک نبود آن را به خود ما برگردانید و درباره آن درنگ کنید و چون حقیقت بر شما روشن شد، آن را بپذیرید».^۲

همچنین در روایت دیگری از امام باقر عليه السلام چنین آمده است: «إِنَّ حَدِيثَنَا صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ أَجْرَدُ ذَكْوَانٌ وَعُرٌّ شَرِيفٌ كَرِيمٌ فَإِذَا سَمِعْتُمْ مِنْهُ شَيْئًا وَلَانَتْ لَهُ قُلُوبُكُمْ فَأَحْتَمِلُوهُ وَ اِحْمَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ وَ إِنْ لَمْ تَحْتَمِلُوهُ وَ لَمْ تُطِيقُوهُ فَرُدُّوهُ إِلَى الْإِمَامِ الْعَالِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَإِنَّمَا الشَّيْءُ الْهَالِكُ الَّذِي يَقُولُ وَ اللَّهُ مَا كَانَ هَذَا ثُمَّ قَالَ يَا جَابِرُ إِنَّ الْإِنكَارَ هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ».^۳

بنابراین اگر روایتی دارای مطالب دشوار باشد، نمی توان به دلیل دشواری، آن را جعلی دانست.

۱. الکافی: ج ۲ ص ۲۲۲ ح ۴؛ وسائل الشیعة: ج ۱۶ ص ۲۳۶ باب وجوب کتم الدین عن غیر أهله مع التقیة، ح ۲۱۴۵۰.
 ۲. تحف العقول: ص ۱۱۶؛ الخصال: ج ۲ ص ۶۲۷.
 ۳. بصائر الدرجات: ج ۱ ص ۲۲ ح ۹.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. أصول الفقه، اراکی، محمدعلی، ناشر: مؤسسه در راه حق، قم، چاپ: اول.
۳. الأصول، تقریرات نجم آبادی، ابوالفضل، ناشر: مؤسسه آیة الله العظمی البروجردی لنشر معالم اهل البيت، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۴. بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد عليهم السلام، صفار، محمد بن حسن، مکتبه آية الله المرعشی النجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۵. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ق.
۶. تصحیح الاعتقاد، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، کنگره شیخ مفید، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۷. الخصال، ابن بابویه، محمد بن علی صدوق، محقق: غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، قم، سال ۱۳۶۲ ش.
۸. رجال الکشي (إختيار معرفة الرجال)، کشی، محمد بن عمر، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۹. رجال النجاشی (فهرست أسماء مصنفی الشيعة)، نجاشی، ابو الحسن احمد بن علی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۷ ه ق.
۱۰. روضات الجنات في أحوال العلماء و السادات، خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین (۱۳۱۳ ه ق)، تحقیق اسماعیلیان، اسد الله، ناشر: دهقانانی (اسماعیلیان)، قم، چاپ اول، ۱۳۹۰ ه ق.
۱۱. الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، عاملی، زین الدین بن علی، کتابفروشی داوری، قم، ۱۴۱۰ ه ق.
۱۲. عوالی اللثالی العزیزية فی الأحادیث الدینیة؛ ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، دار سید الشهداء للنشر، قم، ۱۴۰۵ ق.
۱۳. الکافی، کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، دار الکتب الإسلامية، تهران،

- چاپ چہارم، ۱۴۰۷ ہ ق.
۱۴. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، دار الکتب الإسلامیة، تہران، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ہ ق.
۱۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، نوری، حسین بن محمد تقی (۱۳۲۰ ق)، تحقیق و نشر مؤسسۃ آل البيت علیہم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
۱۶. معجم رجال الحدیث، خوئی، ابوالقاسم، مرکز نشر الثقافہ الاسلامیہ، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ ش.
۱۷. وافی، فیض کاشانی، محمد محسن بن شاہ مرتضی (۱۰۹۱ ق)، ناشر: کتابخانہ امام امیر المؤمنین علیؑ، اصفہان، ۱۴۰۶ ق.
۱۸. وسائل الشیعۃ، حر عاملی، محمد بن حسن، مؤسسۃ آل البيت علیہم السلام، قم، ۱۴۰۹ ق.